روزگار یک داوطلب

صراط سرزمینم

شارمین میمندی‌نژاد
مؤسس جمعیت امام علی (ع)

● در زمستان سال ۱۳۸۲ در همین ماه آذر بر فراز پل عابر پیاده دیدمش که بر محور عصای عجز زیر بغلش می‌گشت. کت بزرگ خاکستری‌رنگش که در سرآستین تا خورده بود و دمپایی آبی‌رنگ بیمارستانی و تک‌پای برهنه‌اش در آن سرما سریع‌تر از هرچیز نظرت را می‌گرفت. دختربچه‌ای هشت‌ساله با موهایی کوتاه که بر مدار ذهن این میدان رسالت به گدایی و آدامس‌فروشی آمده بود. ترسی بی‌رحم بر خطوط عاطفه چهره‌اش ماسیده و مهر شیار شیرین کنار لبش خشکیده و رسوب خاک‌وخل بر سر و صورت و اندام نحیف و به‌استخوان‌نشسته‌اش می‌رساند سال‌هاست که در تحمیل بی‌توجهی زندگی می‌کند. جمعیتی نداشتیم؛ تنها یک کانون دانشگاهی در دانشگاه شریف بودیم و همین و بس، اما با ورود دو، سه‌ساله به معضلات اجتماعی‌مان می‌دانستیم کودکی که یک پا ندارد و به گدایی می‌ایستد ممکن است به‌عمد برای زمین‌گیری و ترحم‌خریدن پای رفتنش را به ساتور سنگدلی قطع کرده باشند و فهم این کار از درمان زخم با نشاندن آتش بر آن به‌راحتی میسر است.

به بازی بر لی‌لی این‌سوشدن و آن‌سوشدنش نشستم. صورت سرمازده خاکستری‌اش، پاسخ اخمش به لبخندم، در آن مه‌مردگی زمستانی هنوز خاطرم را بعد از این‌همه سال می‌آشوبد و همه وجودم را چنگ‌درد می‌کند. بی‌اطمینان و بی‌اعتماد در لاک کتش بر آسفالت نیم‌بند پل نشست و مردمان زیر پل را منظره پشت سرش کرد؛ مردمانی که در روزمرگی و آمدنم بهرچه‌بود از این‌سو به آن‌سو می‌گذشتند و انگارنه‌انگار سرماست و کودکی یخ‌زده و معصوم تک‌افتادگی و تنهایی‌اش را بر سر این گذر به حراج گذاشته. نامش را پرسیدم، پاسخ سریع داد که آدامس می‌خری که اگر خریدار نیستی، نایست و مزاحم کسبم نشو. با انگشتان نحیف دست کوچک پر از ترد ترک‌هایی به‌خون‌نشسته‌اش با آدامس‌های در جعبه بازی می‌کرد و به تصورت می‌آمد تنها رنگ زندگی این کودک همین قرمز و زرد و سبز جلد آدامس‌هاست که در این بی‌آدمیت برایش تنوع و سرگرمی شده. حرص و سعی انگشتانش برای دریافت حس شیرینی آدامس‌ها حکایت تحریم و نداشتن حق خوردن حتی یک حب آدامس کامت را تلخ‌تر می‌کرد.

دیگر در آن روزگار به پیگیری از وضعیت آن کودک از آن پل می‌گذشتم. بالاخره تک‌پایش را دیدم. آری از ساق پا قطع شده بود و جایش را نیز سوزانده بودند. همه وجودمان به درد آمده بود و به توان حنجره دانشجویی‌مان داد شدیم و در این اداره مربوطه تا آن اداره نامربوط و با پاهای داشته‌مان در سرزمینی که حق پای کودکی را گرفته‌اند شرم‌زده شروع به دویدن کردیم و به فهمی تلخ رسیدیم. اینکه مدیران به تلخی وجود پدیده کودکان بر گذر را انکار می‌کردند و در روی تو می‌بستند.

حقوق زنان در میزگرد «شرق» با طیبه سیاوشی، شهلا اعزازی و شهناز سجادی

اولویتشان سیاست است نه زنان

شهرزاد همتی: آمده‌اند درباره حقوق زنان و لایحه منع خشونت علیه زنان حرف بزنند؛ شهلا اعزازی، از جامعه‌شناسان برجسته‌ای که در دانشگاه مطالعات زنان درس می‌دهد، طیبه سیاوشی که به قول خودش با کفش‌های آهنی آمده تا این راه دشوار را هموار کند و شهناز سجادی که از زمان معاونت امور زنان و خانواده دولت یازدهم روی لایحه منع خشونت کار کرده و حالا در قامت یک حقوق‌دان صحبت می‌کند. ترجیع‌بند حرف‌هایشان این است: اگر خواستگاری که نمی‌پذیرد در شرایط برابر و با حقوق برابر با یک زن ازدواج کند، خب برود! اصلا همان بهتر که برود... .

برخی قوانین ما باورهایی به زنان القا می‌کند که آنها موجودات ضعیف‌تری هستند. مثلا در خیلی از قوانین یا صحبت‌های مسئولان زنان، معلولان، سالمندان و کودکان در کنار هم ذکر می‌شوند. باور اجتماعی هم با این طبقه‌بندی تقویت می‌شود که زنان مثل کودکان ناتوان‌اند یا مثل معلولان محجور هستند. موافقید که این تأثیر مخربی روی ذهن دارد؟

شهلا اعزازی: البته زنان و کودکان معمولا با یکدیگر مطرح می‌شوند، اما درباره سالمندان یا افراد معلول کمتر بحث می‌شود و اصولا این افراد از چشم‌ها پنهان مانده‌اند. اما زنان و کودکان با هم گفته می‌شوند، زیرا خانواده ترکیبی از زن و کودکان و مرد به عنوان سرپرست خانواده در نظر گرفته می‌شود. خانواده‌ای که در جامعه ما بر آن خیلی تاکید می‌شود اما خانواده‌ای سلسله‌مراتبی است. مردان سرپرست رئیس خانواده هستند و دیگران از آنها تبعیت می‌کنند. این شکل خانواده از قبل وجود داشت و احتمالا در حال تغییر و رسیدن به خانواده برابر بود که مشارکت همه افراد در خانواده درخواست می‌شد. اما بار دیگر در شرایط کنونی برتری مردان بر زنان مطرح می‌شود. دلایل مختلفی در تأکید بر برتری مرد بر زن دخیل هستند که در اینجا نمی‌توان به همه آنها پرداخت.

سجادی: درباره موضوع قائل به تفکیک هستم. جایی که قرار است محرومیت از یک‌سری حقوق اجتماعی تعیین شود مثلا برای افراد غیررشید و کلا محجورین، اگر زنان را هم‌ردیف محجورین بیاورند، توهین است. نمونه‌اش را در تاریخ داریم. در آیین‌نامه انتخابات بعد از مشروطه گفته می‌شود صغار، مجانین و به طور کلی محجورین و زنان ممنوع از شرکت در انتخابات هستند. این یک نوع ادبیات توهین‌آمیز است زیرا به طور تلویحی زنان در ردیف و هم‌شأن و هم‌تراز محجورین جلوه داده شده‌اند. اما در مواردی منظور از ذکر نام زنان در کنار کودکان، سالمندان و سایر محجورین به عنوان اقشار آسیب‌پذیر، نگاه حمایتی است و رویکرد توهین و تحقیر ندارد. واقعیت این است که متأسفانه در جامعه ما زنان و کودکان، بیشترین قربانیان خشونتند و باید مورد حمایت قانون قرار گیرند. این رویکرد در لایحه حمایت از کودکان که در کمیسیون حقوقی مجلس مراحل بررسی و تصویب را سپری می‌کند و نیز در لایحه تأمین امنیت زنان که ان‌شاءالله هرچه زودتر از دولت به مجلس ارسال شود، وجود دارد. از مقابل حجم خشونت‌های جنسی و خشونت فیزیکی علیه زنان و کودکان در جامعه نمی‌توان بی‌تفاوت عبور کرد.

خانم سیاوشی، مدرک تحصیلی‌تان چیست؟

سیاوشی: فوق‌لیسانس روابط بین‌الملل.

زمان ازدواج چقدر درباره حقوقی که زنان می‌توانند در زمان ازدواج از همسرشان بگیرند، اطلاع داشتید؟ با همسرتان در این زمینه بحث داشتید؟ هیچ‌گاه تصور کردید که مهریه نگیرید و یک‌سری حقوق را داشته باشید؟

سیاوشی: در خانواده من خیلی به مهریه توجه نمی‌شود و ملاک‌ها متفاوت هستند. خیلی روی این مسئله بحث نکردم و برای همسرم هم میزان مهریه‌ام شوک‌آور بود. البته سال ۶۵ که ازدواج کردم به نظرم دوره‌ای بود که آرمانی بود و مثل صحنه تئاتر گذشت. ازدواج من کاملا سنتی بود و در جلساتی که صحبت شد درباره مسائلی که مربوط به حقوق خانم‌هاست صحبت کردیم.

عکس: عباس کوثری، شرق

خودتان دغدغه‌اش را داشتید؟

سیاوشی: آن زمان دانشجو بودم و برایم مهم بود که بتوانم به تحصیلم ادامه دهم و می‌خواستم آنچه در ذهنم می‌خواهم پیش ببرم با ازدواج محدود نشوند.

زندگی یک خانم نماینده مجلس شرایط متفاوتی دارد. آیا پسرتان تا به حال نگفته با کسی ازدواج خواهد کرد که مثل شما خیلی پرکار نباشد یا همسرتان به شغل شما ایراد نمی‌گیرند؟

سیاوشی: بحث خصوصی است اما دخترم زمانی که ۱۶، ۱۷ساله بود همیشه می‌گفت من مادر شاغل نمی‌شوم چون خاطره بدی از مهدکودک در ذهنم دارم. این گفته در ذهن من مانده و دخترم نظرش تغییر کرده. اما الان در خانواده کاملا با من موافق و همراه هستند.

به این دلیل پرسیدم که چقدر می‌توانیم به یک مرد حق دهیم که درباره میزان فعالیت‌های همسرش تصمیم بگیرد؟ به هر حال، ما شاغل هستیم و آن‌طور که یک خانم خانه‌دار می‌تواند به کارهای خانه برسد، ما نمی‌توانیم. در همه دنیا هم همین‌طور است. با توجه به سنت‌های جامعه‌مان چقدر دراین‌باره می‌توانیم به مردان حق بدهیم؟

سیاوشی: این بحث فرهنگی است. گاهی در تعاملات زندگی «من اجازه می‌دهم» یا «من اجازه نمی‌دهم» را شاید من حس نکرده باشم که کسی دیگر کاملا درک کرده باشد. اما بحث قانون است و ما مدام تأکید می‌کنیم قانون اگر موارد تبعیض‌آمیز نسبت به زنان را از بین ببرد، زندگی بین زن و مرد قاعدتا متفاوت خواهد شد.

به نظرتان اگر در جامعه ما این تغییر قانون اتفاق بیفتد چقدر خانواده‌ها قبولش خواهند کرد؟

اعزازی: بگذارید کمی عقب برگردیم. وقتی شما این سؤال‌های شخصی را پرسیدید، یاد تحقیقی که مدت‌ها پیش انجام داده بودم افتادم؛ در این تحقیق از افراد باتحصیلات و در طبقه متوسط درباره چگونگی ازدواج و مسائل مربوط به آن سؤال شده بود و برای این گروه خاص، ازدواج در حال تغییر بود. می‌توان با توجه به شرایط ازدواج قشر تحصیل‌کرده، از روند رسیدن به خانواده برابری‌خواه نام برد. متأسفانه در شرایط کنونی از طریق تبلیغاتی که انجام شده و تأکید بر حقوق بیشتر مردان نسبت به زنان، مسائلی مطرح شده‌اند که بر نابرابری میان زن و مرد تأکید دارند؛ اما باید توجه داشت که تا صد سال پیش چنین شرایطی در همه‌جا وجود داشت و شرایط تنها با تلاش و کوشش و همچنین افزایش آگاهی افراد جامعه و البته تغییرات قانونی متفاوت شد. در نتیجه، در بسیاری از کشورها قوانین تغییر کردند و افراد جامعه با توجه به اعتمادی که داشتند، این تغییرات را قبول کردند؛ زیرا قوانین هر کشوری باید نگاهی به شرایط کنونی جامعه و احتمالا تغییرات آن در آینده نیز داشته باشند. مشکلی که در قوانین ایران وجود دارد، این است که بدون توجه به شرایط اجتماعی و روابط میان زنان و مردان در خانواده است و به‌این‌ترتیب، بسیاری از مشکلات به‌خصوص درباره حق مردان بر زنان یا قوانین ارث که از آن نام بردید، دیده می‌شود. قوانین موجود به‌ویژه برای خانواده و مسائل زنان با آنچه در بخشی از مردم و طبقه روشنفکر به‌عنوان تحصیل‌کرده وجود دارد، همخوانی ندارد. تا زمانی که زندگی خوب پیش می‌رود، زن و مرد با هم شریک هستند؛ اما زمانی که مشکلی در زندگی به وجود بیاید، فردی که قانون به او قدرت داده از قدرتش استفاده می‌کند؛ مرد است که می‌تواند بدون ارائه دلیل، طلاق بدهد و زن است که حتی به علت آزار و اذیتی که در خانه وجود دارد، به‌سختی می‌تواند به طلاق و جدایی برسد. درواقع در شرایط معمولی زندگی خانوادگی، افراد به‌خوبی با یکدیگر زندگی می‌کنند؛ ولی در صورت وجود مشکلی که باید از روش‌های قانونی حل شود، حقوق مردان بسیار بیشتر از زنان است و این نابرابری خود به مشکلات دیگری در جامعه و خانواده می‌رسد.

دولت در حال کار روی لایحه‌ای است که در صورت اجرا، برخی خلأهای قانونی درباره زنان را پر می‌کند. اگر بخواهیم خیلی منطقی نگاه کنیم، چقدر از مسائل قانونی در حوزه زنان را می‌توان حل کرد؟

سجادی: برای پاسخ به این پرسش باید به سؤال قبلی برگردیم که با تغییر قوانین می‌توانیم فرهنگ جامعه را تغییر دهیم یا نه و اینکه جامعه مردسالار ظرفیت پذیرش قوانین مترقی در حوزه زن را دارد یا نه. به نظرم فرهنگ و قانون بر هم تأثیر می‌گذارند. در ۳۰، ۴۰ سال گذشته، قوانین مدنی فقهی کشورمان که در دهه ۳۰ تصویب و امروز حاکمیت دارد، در مواردی اصلاح شد؛ درحالی‌که هنوز قانون مدنی مرد را رئیس خانواده می‌داند، امروزه با تغییر رویکرد فرهنگی جامعه ما، رابطه افراد خانواده به‌خصوص زوجین، رئیس و مرئوسی نیست. یا جایی که می‌گوید مرد می‌تواند زن را از اشتغالی که دارد منع کند! خب این مقررات در کنارش هم فرهنگ این جامعه را می‌سازد... در نتیجه قانون وارد حوزه فرهنگ و عرف جامعه می‌شود.. قانون ارث زوجه از دهه ۳۰ تا دهه ۸۰ به این صورت بود که اگر شوهر فوت می‌کرد، زوجه از ماترک شوهر صرفا از اعیانی ارث می‌برد و از عرصه چیزی به دست نمی‌آورد. اگر شوهر باغی داشت، خانم از زمین باغ ارث نمی‌برد و از درخت‌ها ارث می‌برد؛ اما بعد از ۱۰، ۲۰ سال فعالیت حقوق‌دانان و فعالان مدنی و زنان، این قانون اصلاح شد و زن از قیمت کل ماترک شوهر اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد. البته هنوز در زمینه ارث زن تبعیض‌های قانونی بسیاری وجود دارد. جالب اینکه با وجود اصلاح این مورد و سایر موارد اصلاح‌شده قانون مدنی که جنبه فقهی داشته، کسی برای اعتراض به خیابان نیامده و به اصطلاح آب از آب تکان نخورد. این امر حکایت از آن دارد که جامعه آمادگی پذیرش اصلاح قوانین به‌روز و بر اساس عقل و ضرورت‌ها و انصاف و عدل را دارد. بسیاری از معضلات حوزه زنان به همین سادگی حل‌شدنی هستند؛ ازجمله مطالبه زنان برای رفتن به استادیوم‌ها که این موضوع نیز با همین روش اصلاح قوانین بر مبنای توجه به فرهنگ امروز جامعه، امکان‌پذیر است.

چه مدت روی این لایحه کار کرده‌اید؟

سجادی: در اصل این لایحه به صورت خام در دوره رئیس‌جمهور قبلی تهیه شد؛ اما ظاهرا یا به لحاظ نگاه ویژه‌ای که نسبت به زنان در آن دوره حاکم بوده یا هر دلیل دیگری، این لایحه مسکوت می‌ماند و در دوره دولت یازدهم مورد بازنگری قرار می‌گیرد. کارشناسی‌های متعددی از جنبه‌های مختلف روی این لایحه اعمال شد؛ متولی این لایحه معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری بوده که از نظرات کارشناسی تیم‌های مختلف تخصصی در همه ابعاد حقوقی، قضائی، جامعه‌شناختی و فقهی استفاده کرده تا لایحه‌ای جامع در نفی خشونت علیه زنان ارائه شود. به لحاظ پیش‌بینی مجازات اعمال‌کنندگان خشونت، لایحه برای آخرین بررسی به قوه قضائیه ارسال شد تا با حضور نماینده دولت، مورد بررسی نهایی قرار گیرد. به نظرم در حال آماده‌سازی برای ارسال به مجلس شورای اسلامی باشد. به مسائل شرعی توجه شده و جرم‌انگاری انواع خشونت‌ها علیه زنان مبنی بر اعمال مجازات‌ها نوآوری قابل‌توجهی است. آداب و رسوم متنوع و متفاوت عرفی در چهار گوشه کشور رویکرد و نگاه خشنی علیه زنان دارد؛ مثل رسوم خون‌بس، ازدواج کودکان یا الزام عرفی زنان به بردن جهیزیه به خانه بخت به‌عنوان خشونت عرفی در این لایحه دیده شده است؛ درحالی‌که قبلا تجربه‌ای درباره حمایت ویژه از زنان تحت خشونت نداشتیم. حتی حق طلاق برای زنان خشونت‌دیده نیز به نوعی لحاظ شده که اگر زنی در معرض چنین خشونتی باشد، دادگاه‌ها مکلف هستند طلاق این زن را صادر کنند. درحال‌حاضر اگر حکم محکومیت شوهر به اتهام ضرب‌وجرح زن را در دادگاه برای طلاق زوجه از نظر عدم تأمین جانی مورد استناد قرار دهیم، گفته می‌شود یک فقره سابقه ضرب‌وجرح زن، برای عدم تأمین جانی کافی نیست؛ درحالی‌که ممکن است چندین‌بار خشونت رخ داده باشد و خانم یک بار شکایت کرده باشد. اینها همه خلأ قانونی است. البته در هر استان با این قضیه سلیقه‌ای برخورد می‌شود و قانون شفافی وجود ندارد. با توجه به تحولی که احساس می‌شود در حوزه حقوق زنان در سال‌های اخیر ایجاد شده و از طرفی زنان نماینده مجلس در این دوره فعال‌تر و دغدغه‌مندترند، بسیار خوش‌بین هستم که این قانون ان‌شاءالله تصویب شود.

خانم سیاوشی، شما هم خوش‌بین هستید؟

سیاوشی: در مجلس لایحه اول به کمیسیون حقوق قضائی می‌رود و امیدوارم عمرش به مجلس دهم برسد که به صحن بیاوریم. اگر به کمیسیون حقوق قضائی وارد شود، ان‌شاءالله پیش خواهد رفت منتها ایراد بزرگی که استادان حقوق و به‌ویژه آقایان دائما به این لایحه وارد می‌کنند، این است که زیاد جرم‌انگاری شده و مدام تأکید می‌کنند که استحکام خانواده را سست می‌کند. اما مسئله این است که چه باید می‌کردند؟ چارچوب خانه که گفته می‌شود حریم خصوصی افراد است و زن آنجا کتک خورده و شاهدی هم ندارد، به جز اینکه اثرش بر جسمش مشخص است.

ادامه در صفحه ۱۳

نگاه

خواستیم...شد

ثمین مهاجرانی

تجربه دوم! ۲۸ آبان‌ماه است؛ با نامه درخواست رسمی به شهرداری ناحیه یک منطقه ۱۲ تهران می‌روم؛ بخش محیط زیست: این درخواست ماست برای اختصاص چند مخزن مخصوص بازیافت به مؤسسه فرهنگی-هنری «این‌جا»... . خانمی نامه را می‌گیرد و می‌گوید: «دو روز دیگه بهتون خبر میدیم».یک هفته بعد خبری نیست. به ۱۳۷ زنگ می‌زنیم. می‌گویند درخواست رسمی نداده‌ایم. توضیح می‌دهم حضورا به ساختمان شهرداری در فردوسی رفته‌ایم و نامه را به واحد محیط زیست ارائه کرده‌ایم. می‌گویند خبر می‌دهند... . پنج، شش‌بار همین تماس و همین مکالمه تکرار می‌شود. ظاهرا نامه ما گم شده. ما در توییتر نوشتیم: «پیگیری یک‌ماهه جواب نداد، ما به صورت دستی کاغذها و پلاستیک‌هایمان را تفکیک می‌کنیم و به غرفه بازیافت نزدیک محل سکونتمان می‌بریم». اکانت رسمی شهرداری در توییتر و اکانت خانم الهام فخاری (نماینده شورای شهر تهران) به توییت واکنش نشان می‌دهند. برای خانم فخاری در پیغام مستقیم می‌نویسم: «ممنونم از واکنشتون. ما اگر کاری به این سادگی برای محیط زیست از دستمان برمی‌آید، چرا نمی‌کنیم؟ چرا گرفتن سطل بازیافت باید آنقدر پیچیده باشه؟ کاش پیگیری کنید». پیگیری می‌کنند. فردا صبحش (یعنی چهارم دی‌ماه)، از شهرداری ناحیه یک منطقه ۱۲ زنگ «این‌جا» را می‌زنند. سه نفر از شهرداری آمده‌اند برای دیدن ما، عذرخواهی حضوری و تحویل مخزن‌های بازیافت. توضیح می‌دهند که نامه را پیدا کرده‌اند و کوتاهی از آنها بوده. مخزن‌ها را در جاهایش قرار می‌دهند و می‌روند.شد!

تجربه اول! ۱۸ اردیبهشت است. از طرف دانشگاه برای یک سفر تحقیقی باید به کن برویم. ۲۹ اردیبهشت انتخابات ریاست‌جمهوری است و برای من بسیار مهم... . کن هفت ساعت با پاریس فاصله دارد و تا جایی که جست‌وجوهایم نشان می‌دهد، فقط در پاریس می‌توان رأی داد. به دکتر ظریف ایمیل می‌زنم و توضیح می‌دهم در خارج از ایران، دانشجوی سینما هستم و برای سفر تحقیقاتی باید به فستیوال کن بروم. می‌پرسم با توجه به حضور تعداد زیادی از سینماگرهای ایرانی و بقیه ایرانی‌ها در این نقطه از فرانسه، آیا امکان رأی‌دادن در این منطقه فراهم شده؟ ناامیدانه دکمه «ارسال» را می‌زنم و در دلم می‌گویم «تیری در تاریکی!»...فردا صبحش ایمیلی از دکتر جواد ظریف دارم. نوشته: «ممنونم از پیگیری شما. تا جایی که می‌دانم ایرانی‌های خارج از ایران فقط در کنسولگری‌ها می‌توانند رأی بدهند اما از همکارانم سؤال می‌کنم». چند روز مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری، ایمیلی دریافت می‌کنم از سفیر ایران در فرانسه: «با توجه به درخواست شما و حضور ایرانیان در این منطقه از فرانسه، و دستور آقای دکتر ظریف، صندوقی به شهر کن اختصاص داده شده. می‌توانید در آدرس زیر رأی بدهید». شد! خیلی‌وقت‌ها طبعمان با غرزدن آشناتر است؛ به نشستن و گفتن اینکه «می‌دانم نمی‌شود... و نشد». نمی‌دانم؛ شاید هم واقعا کار راحت‌تر همین است: غرزدن و طلب‌داشتن، اما شاید نمی‌دانیم چه طعم شیرینی دارد نشستن، تکیه‌دادن و گفتن اینکه «خواستم و شد». تغییراتی همین‌قدر کوچک، پله‌پله، قدم‌به‌قدم...؛ همان‌ها که از دستمان برمی‌آید. شاید هم از ۱۰ بار، هشت‌بارش نشود و دوبارش بشود. تا وقتی نخواسته‌ایم، نمی‌دانیم، اما کاش ما تغییر را بخواهیم و زندگی کنیم. اگر نشد، می‌گوییم نشد! محکم بایستیم و بگوییم آنچه درست است و درباره زندگی است «باید بشود» و شد. بیایید تلاشگر باشیم و تجربه کنیم شیرینی گفتن این جمله را:«ما خواستیم... شد!».

جدول ۳۰۰۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بخیه درشت در خیاطی- قاره کریستف‌کلمب- پشت گرم ۲- تنقلات بی‌خاصیت- پزشک نامدار ایرانی که در جوانی شاه سامانی را معالجه کرد ۳- گیاه تالاب‌ها- بازیگر خانم فیلم آذر (در حال اکران)- صدای پاره‌شدن کاغذ ۴- به حد مطلوب نرسیده- وسیله کمک حرکتی بیماران- سنگ چاقوتیزکنی ۵- تکاپوی بسیار و بی‌حاصل- سخن‌چین- ماه نو ۶- با خیر و برکت- شب خاطره‌انگیز پاییز- پاک ۷- منفک- جامه پشمی دست‌باف- ایستادگی در برابر دشمن ۸- اشاره به دور- ارباب- آشکار- سنگریزه ۹- کلاه مردانه قدیمی- هفتم- لوازم منزل ۱۰- دسته هاون- شیخ‌نشین امارات عربی- پیاپی ۱۱- همکاری در انجام کاری- زبانه آتش- ارتعاش ۱۲- فشار روحی- زیبا و دلفریب- جنگی بین نادر شاه و شاه گورکانی ۱۳- من و شما- از ثروتمندترین نویسندگان جهان و ملقب به پدر ادبیات وحشت- پهلوان ۱۴- نوشته‌ای که هنوز تنظیم نهایی نشده است- از باشگاه‌های فوتبال ایتالیا ۱۵- نامی دخترانه- از ظروف آشپزخانه - غزال.

عمودی:

۱- قدیمی و باستانی- خرید و فروش اشیای دست‌دوم- از سازهای عربی ۲- پایتخت زلاندنو- دوستی و رفاقت ۳- حرف ربط- سخنوران- عصیان و سرکشی- محکم‌کردن ۴- سیاهی لشکر سینمایی- نشان تجاری کالا- ضمیر متکلم وحده ۵- از یاران امام علی(ع) که در جنگ صفین شهید شد- نوعی سس‌غلیظ- بزدل ۶- شهرستانی در آذربایجان شرقی- زاینده- کهن ۷- سراینده سایه عمر- گلی زینتی- بسیار سخت و مشکل ۸- جانور کیسه‌دار درختی استرالیا- سومین قله بلند ایران ۹- مؤثر و مفید- لازم- نارس ۱۰- شهرستانی در استان قزوین- رسوم- خلأ ۱۱- شماره- غیراصلی- ابزار نجاری ۱۲- فوق ستاره فوتبال آرژانتین- بدگو- بنای قدیمی و فرسوده ۱۳- چای خارجی- تابان و درخشان- پاک از تهمت - بوی رطوبت ۱۴- باقیمانده دانه‌های روغنی- خیابانی عریض و زیبا در پاریس ۱۵- فلانی- شوفر- بازی و سرگرمی.

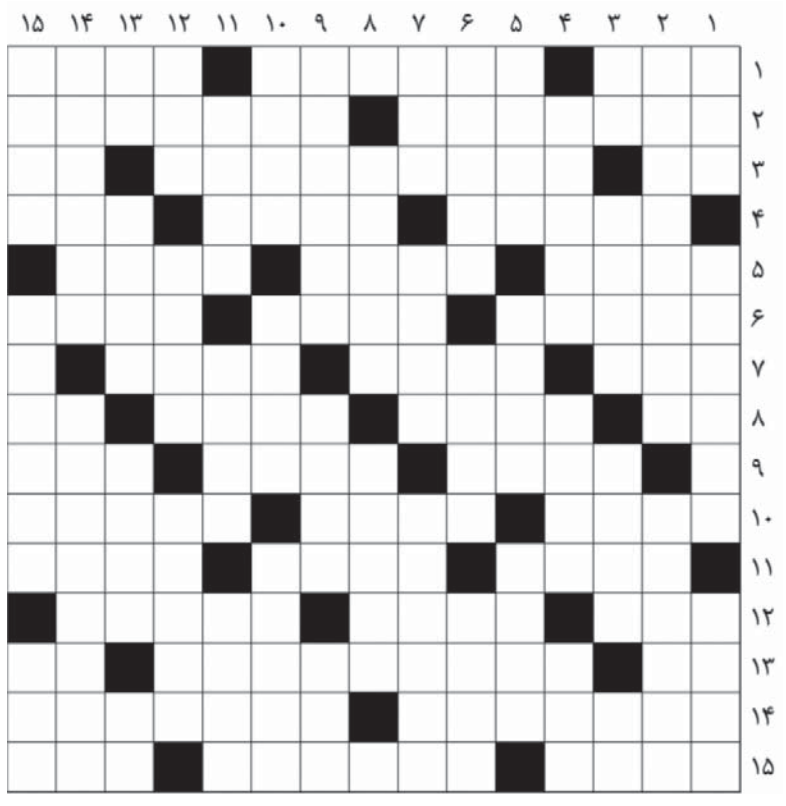

حل سودوکو سخت

۷	۵	۲	۸	۱	۹	۴	۶	۳
۳	۱	۹	۴	۲	۶	۸	۵	۷
۴	۸	۶	۳	۷	۵	۱	۲	۹
۶	۷	۸	۹	۴	۲	۳	۱	۵
۱	۲	۴	۵	۳	۷	۹	۸	۶
۵	۹	۳	۶	۸	۱	۲	۷	۴
۸	۳	۵	۱	۶	۴	۷	۹	۲
۲	۶	۱	۷	۹	۳	۵	۴	۸
۹	۴	۷	۲	۵	۸	۶	۳	۱

حل سودوکو ۱۹۹۸

۹	۸	۷	۵	۶	۴	۱	۲	۳
۶	۲	۱	۷	۹	۳	۴	۵	۸
۵	۴	۳	۱	۲	۸	۹	۷	۶
۱	۵	۹	۲	۷	۶	۳	۸	۴
۳	۶	۲	۸	۴	۱	۷	۹	۵
۸	۷	۴	۹	۳	۵	۲	۶	۱
۷	۳	۵	۴	۸	۹	۶	۱	۲
۴	۹	۸	۶	۱	۲	۵	۳	۷
۲	۱	۶	۳	۵	۷	۸	۴	۹

جدول ۳۰۰۲

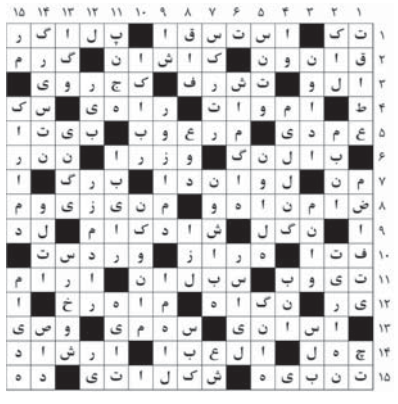

سودوکو سخت ۱۹۹۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۵	۹			۷				
		۳	۱		۵		۴	
		۱	۸					۷
		۴	۵		۶			
				۱			۲	
	۳	۸		۴				۶
۴	۶				۱			
				۹			۶	۲
۳		۹			۲			

سودوکو ۱۹۹۹

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۸	۱	۷					۶	۴
	۶	۵	۸	۱		۷		۳
			۷		۶	۱		۹
۵	۸		۱	۳				
۷	۲			۴			۳	
			۶	۲			۱	۷
		۸	۵	۷		۲		
		۲			۹	۳		
		۹	۳	۶		۴	۵	